

وَ اِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ  
 اِذْ جَعَلَ فِيكُمْ اَنْبِيَاءً وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَ اَتٰكُمْ مَالٍ مَّا لَمْ يُوْتِ  
 اَحَدًا مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢٠﴾ يُقَوْمِ ادْخُلُوا الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ  
 الَّتِي كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ وَ لَا تَرْتَدُّوا عَلٰى اَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا  
 خٰسِرِيْنَ ﴿٢١﴾ قَالُوا يَمُوسٰى اِنَّ فِيْهَا قَوْمًا جَبّٰرِيْنَ وَ اِنَّا  
 لَنْ نَدْخُلُهَا حَتّٰى يَخْرُجُوا مِنْهَا ۗ فَاِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَاِنَّا  
 دٰخِلُوْنَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِيْنَ يَخٰفُوْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ  
 عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ ۗ فَاِذَا دَخَلْتُمُوْهُ فَانْكُم  
 غٰلِبُوْنَ ۗ وَ عَلٰى اللّٰهِ فَتَوَكَّلُوْا اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٢٣﴾  
 قَالُوا يَمُوسٰى اِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا اَبَدًا مَا دَامُوا فِيْهَا ۗ فَادْهَبْ  
 اَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا اِنَّا هُنَا قٰعِدُوْنَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ اِنِّى  
 لَا اَمْلِكُ اِلَّا نَفْسِيْ وَ اٰخِي ۗ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ  
 الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَاِنَّهَا مُّحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ اَرْبَعِيْنَ سَنَةً  
 يَتِيهُوْنَ فِي الْاَرْضِ ۗ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٦﴾

و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت‌هایی را که خدا به شما داده است به یاد آورید، آن‌گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را حاکم قرار داد و چیزهایی [نعمت‌ها] به شما داد که به هیچ‌یک از جهانیان نداده بود. ﴿۲۰﴾

ای قوم به زمین مقدس و پاک در آید؛ آن زمینی که خدا برای شما مقرر نموده است، و [از ترس ستمکاران] در بیکار با آنان به پشت خود رو برنگردانید و نگریزید که زیان کار می‌شوید ﴿۲۱﴾

گفتند: ای موسی در آن سرزمین گروهی زورمند و سلطه‌گر وجود دارند و ما هرگز در آن سرزمین در نیایم تا آنکه ایشان از آنجا بیرون روند، پس اگر آنان از آن سرزمین بیرون روند ما وارد خواهیم شد. ﴿۲۲﴾

دو مرد از کسانی که از مخالفت با خدا بیمناک بودند و خدا هم به ایشان نعمت ارزانی داشته بود، به قوم موسی گفتند: بر مردم آن سرزمین از دروازه [بتازید] وارد شوید، که اگر از آنجا وارد شوید قطعاً شما [بر آنان] غالب و چیره خواهید بود، و فقط بر خدا توکل و اعتماد نمایید اگر شما ایمان دارید. ﴿۲۳﴾

[بنی اسرائیل] گفتند: ای موسی ما هرگز در آن سرزمین در نیایم تا آن‌گاه که آنان در آن هستند، پس تو با پروردگارت بروید و [با آنان] بجنگید، ما در اینجا نشستیم. ﴿۲۴﴾ موسی گفت: پروردگارا من برای انجام دادن فرمان تو، جز اختیار خود و برادرم (هارون) را مالک و دارا نیستم، پس میان ما و این قوم نافرمان داوری کن و ما را در انجام فرمان خود یاری رسان. ﴿۲۵﴾

[خدا به موسی] فرمود: اینک چنین مقرر کردیم که بنی اسرائیل مدت چهل سال از ورود به آن سرزمین محروم باشند آنان در طول این مدت بر روی زمین سرگردان خواهند بود؛ نه چون شهرنشینان در شهری استقرار می‌یابند و نه چون صحرانشینان در بیابان زندگی می‌گذرانند. این کیفر آنان است، پس بر این تمرد پیشگان، از اینکه کیفر الهی را می‌چشند، اندوه مخور. ﴿۲۶﴾



## وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، پس از رحلت رسول خدا ﷺ

## درس هفتم

دانستیم که مسئولیت مرجعیت دینی و ولایت و حکومت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم از نسل ایشان جانشینی رسول خدا ﷺ را برعهده گرفتند و از جانب خدا به ولایت و رهبری جامعه برگزیده شدند.

البته پس از رحلت رسول خدا ﷺ حوادثی پیش آمد که باعث دور افتادن مردم از رهبری و هدایت امامان معصوم علیهم السلام شد. این مسئله، شرایط و اوضاع اجتماعی خاصی را در جامعه آن روز پدید آورد.

اکنون می‌خواهیم اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان پس از رسول خدا ﷺ و نحوه برخورد مسلمانان با امامان علیهم السلام را بررسی کنیم.

در آیه شریفهٔ زیر بیندیشید و به سؤالات پاسخ دهید :

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ  
 قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ  
 أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ  
 إِنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ  
 وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ  
 فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا  
 وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ١

و محمد نیست، مگر رسولی  
 که پیش از او رسولان دیگری بودند.  
 پس اگر او بمیرد یا کشته شود،  
 آیا شما به گذشته [و آیین پیشین خود] بازمی گردید؟  
 و هرکس به گذشته بازگردد،  
 به خدا هیچ گزند و زبانی نرساند  
 و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش می دهد.

۱- خداوند چه هشداری به مردم زمان پیامبر می دهد؟

۲- آیا خطر بازگشت به ارزش های دوران جاهلیت فقط اختصاص به زمان پیامبر دارد؟

۳- به نظر شما، سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت، چه کسانی اند؟

### خلاصه ای از رخ دادهای عصر امامان علیهم السلام

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برنامه ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت و امامان معصوم علیهم السلام با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبهٔ مسئولیت های خود شدند. فقط در یک دورهٔ کوتاه چهارسال و نه ماهه، ادارهٔ حکومت به امام علی علیه السلام رسید و آن حضرت، در همین دورهٔ کوتاه و با وجود مشکلات و جنگ هایی که با عهدشکنان و دشمنان داخلی داشتند، عالی ترین نمونهٔ حکومت را عرضه کرد.

اماطولی نکشید که حکومت به دست بنی امیه افتاد. آنان کسانی بودند که سرسختانه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مبارزه می کردند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. پسر او، معاویه، که جنگ صفین را علیه امیرالمؤمنین علیه السلام به راه انداخت، در سال چهلم هجری با بهره گیری از ضعف و سستی یاران امام حسن علیه السلام، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به سلطنت تبدیل کرد.

معاویه، برخلاف تعهدی که به مسلمانان داده بود، یزید را جانشین خود قرار داد؛ یزید هر کار زشت

و ناپسندی را انجام می‌داد؛ احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و سُخره می‌گرفت، آشکارا شراب می‌خورد، سگ‌بازی و میمون‌بازی، می‌کرد و با همان سگ و میمون، وارد مجالس می‌شد و آنها را کنار دست خود می‌نشاند. وی، نوه‌گرمی پیامبر ﷺ، امام حسین علیه السلام و فرزندان و یارانش را با وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده‌ایشان را که از نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، به عنوان اسیر، در شهرها گرداند.

فیلم (۱): روزی که یزید به سوگ بوزینه‌اش نشست!

## فعالیت کلاسی (۱)

با همفکری دوستان خود بگویید چه عواملی باعث شد که بعد از گذشت پنجاه سال از وفات پیامبر، نوه‌ایشان یعنی امام حسین علیه السلام این گونه توسط امت پیامبر به شهادت برسد؟

.....

.....

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در سخنرانی‌های متعدد، بارها مسلمانان را نسبت به ضعف و سستی‌شان در مبارزه با حکومت بنی‌امیه بیم می‌داد<sup>۱</sup> و می‌فرمود: «سوگند به خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، آن مردم [شامیان] بر شما پیروز خواهند شد؛ نه از آن جهت که آنان به حق نزدیک‌ترند، بلکه به این جهت که آنان در راه باطلی که زمامدارشان می‌رود شتابان فرمان او را می‌برند و شما در حق من بی‌اعتنایی و کندی می‌کنید. این مطلب، قلب انسان را به درد می‌آورد که آنها در مسیر باطل خود این چنین متحدند، و شما در راه حق این گونه متفرق و پراکنده‌اید»<sup>۲</sup>.

آن حضرت آینده‌سریچی از دستورات امام و اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را که موجب سوار شدن بنی‌امیه بر تخت سلطنت بود؛ می‌دید و آنان را از چنین روزی بیم می‌داد:

«به خدا سوگند، بنی‌امیه چنان به ستمگری و حکومت ادامه دهند که حرامی باقی نماند جز آنکه حلال شمارند... تا آنکه در حکومتشان دو دسته بگریند: دسته‌ای بر دین خود که آن را از دست داده‌اند و دسته‌ای برای دنیای خود که به آن رسیده‌اند»<sup>۳</sup>.

پس از سقوط بنی‌امیه، حکومت به دست بنی‌عباس افتاد. آنان با اینکه خود را از عموزادگان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی‌امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی‌امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از چیزی فروگذار نکردند، به گونه‌ای که اگر تحول معنوی و فرهنگی

۱- برخی از این سخنرانی‌ها در کتاب «نهج البلاغه» آمده است. از جمله در خطبه‌های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۳- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه ۹۸ (حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین ضروری نیست).

ایجاد شده در عصر پیامبر ﷺ و دو میراث گران قدر آن حضرت - قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام - نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی ماند.<sup>۱</sup>

مشکلات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پس از رسول خدا ﷺ  
مهم ترین چالش های عصر ائمه علیهم السلام که نتیجه دوری از راه و رسم ترسیم شده از سوی پیامبر و جانشینان ایشان بود، عبارت بودند از:

### ۱- ممنوعیت نوشتن احادیث پیامبر اکرم ﷺ

پس از رحلت رسول خدا ﷺ، سفارش آن حضرت به نوشتن سخنانش<sup>۲</sup> نادیده گرفته شد و هرگونه نوشتن احادیث آن حضرت ممنوع شد. به همین جهت، کسانی که به این احادیث علاقه مند بودند، فقط می توانستند آنها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. این کار، نتایج نامطلوبی داشت؛ از جمله اینکه:

الف) احتمال خطا در نقل احادیث افزایش یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت ها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم شد.

ب) شرایط مناسب برای جااعلان حدیث پیش آمد و آنان براساس غرض های شخصی به جعل یا تحریف حدیث پرداختند، یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

ج) بسیاری از مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی بهره ماندند و به ناچار، سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت دادند و گرفتار اشتباهات بزرگ شدند.

با اینکه سال ها بعد، منع نوشتن حدیث پیامبر ﷺ برداشته شد و حدیث نویسی رواج یافت، اما به دلیل عدم حضور اصحاب پیامبر ﷺ در میان مردم، به دلیل فوت یا شهادت، احادیث زیادی جعل یا تحریف شد، به طوری که احادیث صحیح از غلط به سادگی قابل تشخیص نبود.

نکته مهم: البته این اوضاع نابسامان حدیث، تا حدود زیادی برای پیروان ائمه پیش نیامد؛ زیرا ائمه علیهم السلام احادیث پیامبر را حفظ کرده بودند و شیعیان، این احادیث را از طریق این بزرگواران که انسان هایی معصوم و به دور از خطا بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا ﷺ معتبر و مورد اطمینان بود، به دست آوردند.

### دانش تکمیلی

اگر می خواهید اطلاعات بیشتری درباره علت ممنوعیت نگارش احادیث پیامبر ﷺ و زمان پایان یافتن این ممنوعیت کسب کنید، به بخش «دانش تکمیلی» سایت گروه قرآن و معارف مراجعه کنید.

۱- برای مطالعه بیشتر به کتاب های فروغ ابدیت و فروغ امامت از آیت الله جعفر سبحانی و نقش ائمه در احیای دین از علامه عسکری مراجعه کنید.

۲- تدریب الراوی، سیوطی، ج ۲، ص ۶۶.

## ۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان وابسته به بنی امیه و بنی عباس و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط پرکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی دربارهٔ پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به کتاب‌های تاریخی و تفسیری راه یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان شد.

فیلم (۲): نمونه‌ای از یک تحریف 

### بیشتر بدانیم

#### نمونه‌ای از احادیث مجعول

کعب الاحبار از علمای یهودی تازه‌مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاوت رسید. او پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه‌گر ثروت اندوزی و غارتگری آنان شد.

به عنوان نمونه، روزی یکی از همین حاکمان که گنجینه‌های بزرگ طلا فراهم کرده بود، از او پرسید: «اگر کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟» وی گفت: «حتی اگر تک‌تک آجرها [ی خانه‌اش] هم از طلا و نقره باشد، هیچ چیز دیگری بر او واجب نیست». ابوذر، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ که در آن مجلس حاضر بود و می‌دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش‌های اسلام، به نام اسلام از ثروت اندوزان دفاع می‌کند، از شدت خشم و بدون ترس از حاکم، فریاد برآورد:

«ای کافر! تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست‌تر از سخن تو نیست که می‌فرماید: آنان که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارتشان ده!»<sup>۱</sup>

همین کعب الاحبار، به دستور معاویه احادیثی جعل کرد که نشان دهد سرزمین شام که محل حکومت معاویه بود، از سرزمین مکه و مدینه نزد خداوند برتر است؛ مثلاً نقل می‌کرد: «محبوب‌ترین سرزمین‌ها در پهنه زمین، نزد خداوند، شام است».<sup>۲</sup>

همچنین نقل می‌کرد که «خداوند نه‌دهم خیر و برکت خود را در شام قرار داده و یک جزء باقی‌مانده را در تمام نقاط زمین تقسیم کرده است».<sup>۳</sup>

۱- سوره توبه، آیه ۳۴.

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۷، ص ۳۶.

۳- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۱۰، چاپ دمشق.

۴- همان، ص ۱۴۷.

### ۳- ارائه الگوهای نامناسب

عموم مردم در اعتقادات و عمل خود، دنباله‌روی شخصیت‌های برجسته جامعه هستند و آنها را اسوه قرار می‌دهند. در زمانی که رسول خدا ﷺ اسوه مردم بود، انسان‌های آزاده، با ایمان و شجاعی چون امام علی علیه السلام، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر ﷺ فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که شخصیت‌های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر ﷺ را در انزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی دور بودند، به جایگاه برجسته برسانند و آنها را راهنمای مردم معرفی کنند.

### ۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت

پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا ﷺ، جاهلیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. شخصیت‌های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر ﷺ منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت جایگاه و منزلت یافتند.

حاکمان بنی امیه و بنی عباس نیز، به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیان‌شان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند و خزائن خود را از جواهرات گران قیمت انباشته کردند. این تغییر مسیر، جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر اکرم ﷺ را به جامعه‌ای راحت طلب، تسلیم و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر اکرم ﷺ تبدیل کرد. این تغییر فرهنگ، سبب شد که ائمه اطهار علیهم السلام با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند و نتوانند مردمان آن دوره را با خود همراه کنند.

### فعالیت کلاسی (۲)

به نظر شما آگاهی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه اطهار چه فوایدی برای زندگی امروز ما دارد؟

### بیشتر بدانیم

معاویه، پس از فتح شام در زمان خلیفه دوم به فرمانروایی شام گماشته شد و مردم شام اسلام را از او آموختند. او در مدت ۲۳ سال نبوت پیامبر اکرم ﷺ ۲۱ سال آن را به مبارزه با اسلام و دشمنی با پیامبر سپری کرد و در جنگ‌های متعدد علیه مسلمانان، به همراه پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار، جزء فرماندهان جنگ بود. بعد از رسیدن به قدرت در شام، اولین حاکمی در اسلام بود که برای خود کاخ ساخت و بر تخت نشست و تاج بر سر نهاد. گویند هزینه کاخ او به اندازه ۱۸ مرکب بار طلا بوده است. ظرف‌های کاخ معاویه از طلا و نقره بود، لباس‌های حریر می‌پوشید و بر اسبی که زین آن طلاکاری شده بود، می‌نشست. خانواده‌اش نیز لباس‌های زربافت می‌پوشیدند. در یکی از سفرهایش به مدینه، ۱۵ مرکب با رواندازهای



ارغوانی‌رنگ در پیاش روان بودند که بر هر یک کنیزی نشسته بود. وقتی اشراف و سران مدینه نزد وی آمدند، به هر یک از آنها ۱۰ تا ۱۰۰ دست از جامه‌های مخصوص خود را بخشید. او همواره شراب می‌نوشید و شترهای ویژه‌ای برای حمل شراب داشت. یکی از سرگرمی‌های او دعوت از زنان آوازخوان و شنیدن آوازهای آنان بود. هنگامی که خبر شهادت امیرمؤمنان علی علیه السلام را شنید، بر تخت تکیه زده بود، با شنیدن این خبر به سرعت نشست و گفت: کنیز! آواز بخوان که امروز چشمم روشن شد.<sup>۱</sup>

## اندیشه و تحقیق

- ۱- چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آماده کرد؟
- ۲- تفاوت‌های اساسی حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس با رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله چه بود؟

## پیشنهاد

با مطالعه یکی از کتاب‌های زیر عواملی که سبب حاکمیت کسانی چون معاویه و یزید بر مسلمانان شد را استخراج کنید و در کلاس گزارش دهید.

الف) حماسه حسینی، استاد شهید مرتضی مطهری

ب) تاریخ سیاسی ائمه علیهم السلام، جواد محدثی

۱- احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، محمد بن احمد مقدسی، ص ۱۶۰؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، صص ۳۱-۱۵ و ج ۱، صص ۳۳۳ تا ۳۳۶؛ الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۲۵۸.